

\*\* عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۱- «فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لا تعلمون!»:

- (۱) پس روز رستاخیز این است، ولی شما ندانسته بودید!  
 (۲) پس امروز رستاخیز است، ولی شما نمی دانستید!  
 (۳) پس این روز رستاخیز است، اما شما نمی دانستید!  
 (۴) پس این روز رستاخیز است، گویی که شما نمی دانستید!

۲- «لا أقدر على أن أشتري ذلك الجوال المتقدم إلا أن يعطيني والدي ثمنه!»:

- (۱) نمی توانم که آن موبایل پیشرفته را بخرم مگر این که پدرم پولش را به من بدهد!  
 (۲) نتوانستم که آن تلفن همراه پیشرفته را بخرم جز آن که پدرم بهای آن را به من دهد!  
 (۳) فقط زمانی می توانم آن موبایل پیشرفته را بخرم که پول آن را از پدرم بگیرم!  
 (۴) قادر نیستم که آن تلفن همراه پیشرفته را خرید کنم، مگر این که پدرم پولش را به من می داد!

۳- «يا من يستر أعمالنا القبيحة و يعفو عن أكبر الذنوب، اغفر لنا و ارحمنا!»:

- (۱) ای آن که کارهایمان را که زشت هستند می پوشانی و از بزرگترین گناهان در می گذاری و ما را می آمرزی و به ما رحم می کنی!  
 (۲) ای کسی که کارهای زشت ما را می پوشاند و از گناهان بزرگ در می گذرد، ما را بیامرز و به ما رحم کن!  
 (۳) ای آن که کارهای زشتمان را خواهد پوشاند و از بزرگترین گناهان در می گذرد، ما را بیامرز و به ما رحم کن!  
 (۴) ای کسی که کارهای زشت ما را می پوشانی و از بزرگترین گناهان در می گذاری ما را بیامرز و به ما رحم کن!

۴- «حاولن للحصول، على غدٍ مضى متوكلات على الله فاعلمن أن أحسن الأمور هو الجهد!»:

- (۱) برای رسیدن به فردایی روشن تلاش کردند درحالی که به خدا توکل می کنند پس دانستند که بهترین کارها همان سعی است!  
 (۲) برای دستیابی به فردایی روشن با توکل به خدا تلاش کنید و بدانید که بهترین کارها همان تلاش است!  
 (۳) برای به دست آوردن فردای روشن به خدا توکل کنید و کوشش کنید و بدانید که برترین کارها همین تلاش است!  
 (۴) برای دستیابی به فردایی روشن کوشش کنید و به خدا توکل کنید و بدانید که تلاش، بهترین کارها است!

۵- «كأن زوجتي قد تتذكر أياماً كنا ناسفر إلى مدن إيران الغربية مع أهلنا!»:

- (۱) چه بسا همسر گاهی روزهایی را به یاد آورد که به شهرهای غربی ایران با خانواده مان سفر می کردیم!  
 (۲) گویی همسر من روزهایی را به یاد آورده است که با خانواده مان به شهرهای غربی ایران سفر می کردیم!  
 (۳) انگار همسر من روزهایی را گاهی به یاد می آورد که با خانواده مان به شهرهای غربی ایران سفر می کردیم!  
 (۴) گویا همسر من شاید آن روزهایی را به یاد آورد که به شهرهای غربی ایران با خانواده خود مسافرت می کردیم!

۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ»: کسانی که گفتند پروردگاران خدا است پس استقامت کردند، ترسی بر آنان نیست!  
 (۲) «و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون!»: و سست نشوید و غمگین نباشید، زیرا شما برتر هستید!  
 (۳) «هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه!»: این است خلقت خدا پس به من نشان دهید خلقت غیر از او چیست؟  
 (۴) «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك!»: ای پیامبر آنچه را که پروردگارت به تو نازل کرده، ابلاغ کن!

٧- عَيِّن الخَطَأ:

- (١) اللابعون يُشجَّعون في الملعب و هم لن يفقدوا قدرتهم: بازيکنان را در ورزشگاه تشويق مي کنند و آنان قدرت خود را از دست نخواهند داد!  
(٢) هناك أشخاص ينتظرون الحظ في الحياة بدون جهد: افرادی وجود دارند که در زندگي بدون تلاش منتظر بخت هستند!  
(٣) إن الفرص تمرّ من السحاب فالعائل يفتنمها: فرصتها مانند گذر کردن ابر مي گذرد پس عاقل آنها را غنيمت مي شمارد!  
(٤) أمي تحضن طفلتها الصغيرة و تلاعبها دائماً: مادرم بچه کوچکش را در آغوش مي کشد و با او هميشه بازي مي کند!

٨- فقط کارهای نيك مي تواند جايباهت را نزد مردم بالا ببرد!:

- (١) الأعمال الصالحة تقدر على ارتفاع المنزلة عند الناس!  
(٢) لا تستطيع أن ترفع منزلتك عند الناس إلا بالأعمال الصالحة!  
(٣) إنما الأعمال الحسنة تستطيع أن ترفع منزلة الناس أمامك!  
(٤) لا تقدر على أن ترفع شأنك أمام الناس إلا بأعمال الحسنة!

٩- عَيِّن المناسب في المفهوم: «أحبب لغيرك ما تحب لنفسك و اكره له ما تكره لها!»:

- (١) بد و نيك مانند ز ما يادگار / تو تخم بدی تا توانی مکار  
(٢) چشم دل باز کن که جان بينی / آن چه ناديدنی است آن بينی  
(٣) که مرد ار چه بر ساحل است ای رفيق / نياسايد و دوستانش غريق  
(٤) تو نيکی مي کن و در دجله انداز / که ايزد در بيابانت دهد باز

\*\*\* عَيِّن الصَّحِيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

١٠- «إنَّ النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ تَرْجِعُ إِلَى رَبِّهَا رَاضِيَةً!»:

- (١) النَّفْسُ: اسم - مفرد و جمعه «أنفس» - معرب / مبتدأ و مرفوع  
(٢) الْمُطْمَئِنَّةُ: اسم - مفرد مؤنث - اسم المفعول من الفعل المزيد / صفة  
(٣) تَرْجِعُ: مضارع - مفرد مؤنث غائب - لازم - للمعلوم / فعل و الجملة فعلية  
(٤) رَاضِيَةً: اسم - مفرد - اسم الفاعل من الفعل المجرد / مفعول و منصوب

١١- «يشاهد الحاكم الناس إلا القاضى الذى كان هرباً!»:

- (١) يُشَاهِدُ: مضارع - مزيد ثلاثي و أصله «ش ا ه» - متعدّد / فعل و فاعله الحاكم  
(٢) الحاكم: اسم الفاعل من الفعل المجرد و مصدره «حكّم» - معرب / فاعل و مرفوع  
(٣) القاضى: مفرد مذکر - اسم المبالغة - معرفة / مستثنى و منصوب  
(٤) هَرَبٌ: فعل ماضٍ - مفرد مذکر غائب - مجهول - لازم / الجملة فعلية

١٢- «يا عباد الله اعلّموا أن أبواب التوبة لن تغلق عليكم!»:

- (١) عباد: جمع مكسّر و مفرده «عبد» - معرب / منادى  
(٢) اعلّموا: فعل الأمر - جمع مذکر مخاطب - مبني - لازم / فعل مع فاعله  
(٣) أبواب: جمع تكسير و مفرده «باب» - معرّف «بالعلم» / اسم إن و منصوب  
(٤) لن تغلق: مضارع - مفرد مؤنث غائب - مزيد ثلاثي (إفعال) / الجملة اسمية

\*\*\* عَيِّن المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية:

١٣- عَيِّن الخَطَأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) الطَّفَلَةُ تَقْرُبُ مِنَ القَطِّ و تُلَاعِبُهُ بِكُلِّ سُرُورٍ.  
(٢) رَبَّنَا هُوَ الَّذِي يُنِيرُ عُقُولَ عِبَادِهِ مُقْتَدِرًا.  
(٣) المُرَارِعُ يَغْرَسُ الأَثْمَارَ فَيَأْكُلُ مِنْهَا الآخَرُونَ.  
(٤) تَنْعَقِدُ حَفْلَةً بِمُنَاسَبَةِ يَوْمِ المُعَلِّمِ فِي المَدْرَسَةِ.

١٤- عَيِّن الصَّحِيح:

- (١) الإنبِراح - ضحك خفيف بلا صوت.  
(٢) الفأر - حيوان مفترس يتغذى من لحم القط.  
(٣) الحقل - مكان مرتفع لصعود الناس إلى الجبل.  
(٤) الخبير - عالم متخصص بأمور مهنة أو عمل.

١٥- عَيَّن ما ليس فيه جمع تكسير:

- (٢) قال عيسى بن مريم: عليكم أن تكونوا نقاد الكلام.  
(٤) نشترى فسائل حتى نزرعها في مزرعتنا.

- (١) جدتي ينتظر إثمار شجراته يوم بعد يوم في البستان.  
(٣) كثير من العمال يشتغلون في المناجم في بلدنا.

١٦- عَيَّن ما فيه المفعول المطلق:

- (٢) الأمتها منتظرات ليصل أولادهم إلى البيت.  
(٤) أسمع أصواتاً عجيباً من البعيد فأنا خائفٌ.

- (١) كنتُ أعرف كاتباً شهيراً قد يكتب قصص الأطفال.  
(٣) يعمل الموظف في الشركة عمل الدؤوبين.

١٧- عَيَّن ما فيه أسلوب الإستثناء:

- (٢) يترك الأصدقاء الصف إلا ثلاثة منهم.  
(٤) لا يجتمع في صالة المطار إلا المسافرون.

- (١) على كل المواطنين ألا يسوقوا بسرعة عند الثلج.  
(٣) لا ينبض قلب المعلم إلا لأحد تلاميذه.

١٨- عَيَّن ما فيه منادى:

- (٢) إلهنا لا يريد صعوبة عباده فليكنم بالصبر في المشاكل.  
(٤) أقربائنا هم الذين يساعدون الآخرين في المشاكل.

- (١) والد من يستطيع أن يحفظني مثله دائماً.  
(٣) ربّ إني أسألك أن تغفو عن سيئاتي.

١٩- عَيَّن «لا» تختلف عن الباقي:

- (٢) لا تظلم الأخت إلى الآخرين في حياتها أبداً.  
(٤) لا يعتق الأسرى في هذه الحرب المفروضة.

- (١) قال المعلم: لا حيلة من تعلم الدروس.  
(٣) لا أحسن إلى أعداء يريدون شراً لي.

٢٠- عَيَّن ما لانرجو وقوعه:

- (٢) قال نبيّنا الحقّ لكنّ الكفار لم يدركوه.  
(٤) ليتنى لم أشارك في تلك الحفلة أبداً.

- (١) لعلّ الشاب يعلم أنّ التكاسل لن يفيد.  
(٣) كأنّ هؤلاء العلماء يشعرون بخيبة الأمل.